

کتاب شب امتحان فارسی (۳) دوازدهم از ۴ قسمت اصلی به صورت زیر تشکیل شده است:

- (۱) **آزمون‌های نوبت اول:** آزمون‌های شماره ۱ تا ۴ این کتاب مربوط به مباحث نوبت اول است که خودش به دو قسمت تقسیم می‌شود:
- (الف) **آزمون‌های طبقه‌بندی‌شده:** آزمون‌های شماره ۱ و ۲ را درس به درس طبقه‌بندی کرده‌ایم. بنابراین شما به راحتی می‌توانید پس از خواندن هر درس از درس‌نامه تعدادی سؤال را بررسی کنید. حواستان باشد این آزمون‌ها، ۲۰ نمره‌ای و مثل یک آزمون کامل هستند. در کنار سؤال‌های این آزمون‌ها نکات مشاوره‌ای نوشته‌ایم. این نکات به شما در درس خواندن قبل از امتحان و پاسخگویی به آزمون در زمان امتحان کمک می‌کند.
- (ب) **آزمون‌های طبقه‌بندی‌نشده:** آزمون‌های شماره ۳ و ۴ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم تا دو آزمون نوبت اول مشابه آزمونی را که معلمان از شما خواهد گرفت، ببینید.
- (۲) **آزمون‌های نوبت دوم:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۱۴ امتحان‌های نهایی برگزارشده در سال‌های ۱۴۰۰، ۱۴۰۱، ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ هستند. این قسمت هم، خودش به ۲ بخش تقسیم می‌شود:
- (الف) **آزمون‌های طبقه‌بندی‌شده:** آزمون‌های شماره ۵ تا ۸ آزمون‌های نهایی خرداد ۱۴۰۰ و ۱۴۰۱ و دی ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ هستند که طبقه‌بندی کرده‌ایم. با این کار باز هم می‌توانید پس از خواندن هر درس تعدادی سؤال مرتبط را پاسخ دهید. هر کدام از این آزمون‌ها، ۲۰ نمره دارند. در واقع در این بخش، شما ۴ آزمون کامل را می‌بینید. این آزمون‌ها هم نکات مشاوره‌ای دارند.
- (ب) **آزمون‌های طبقه‌بندی‌نشده:** آزمون‌های شماره ۹ تا ۱۴ را طبقه‌بندی نکرده‌ایم؛ پس، در این بخش با ۶ آزمون نوبت دوم، مشابه آزمون پایان سال مواجه خواهید شد. این آزمون‌ها به ترتیب امتحان‌های نهایی خرداد ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ و شهریور ۱۴۰۲ و ۱۴۰۳ و دو آزمون چالشی‌تر با عنوان «بیست پلاس» هستند.
- (۳) **پاسخ‌نامه تشریحی آزمون‌ها:** در پاسخ تشریحی آزمون‌ها تمام آن‌چه را که شما باید در امتحان بنویسید تا نمره کامل کسب کنید، برایتان نوشته‌ایم. پاسخ‌ها مطابق با فرمت پاسخ برگ مورد تأیید آموزش و پرورش دارای ریزبارم‌بندی و آدرس مبحثی می‌باشند.
- (۴) **درس‌نامه کامل شب امتحانی:** این قسمت تمام آن‌چه را که شما برای گرفتن نمره عالی در امتحان فارسی (۳) نیاز دارید، تنها در ۲۳ صفحه آورده‌ایم، بخوانید و لذتش را ببرید! در انتهای کتاب هم، یک ضمیمه خلاصه‌شده از آرایه‌های ادبی و دستور زبان برایتان آورده‌ایم.
- یک راهکار:** موقع امتحان‌های نوبت اول می‌توانید از سؤال‌های درس‌های ۱ تا ۹ آزمون‌های ۵ تا ۸ هم استفاده کنید.

فهرست

صفحه	صفحه	نوبت	آزمون پاسخ‌نامه
آزمون شماره ۱	۳	اول (طبقه‌بندی‌شده)	۵۳
آزمون شماره ۲	۶	اول (طبقه‌بندی‌شده)	۵۴
آزمون شماره ۳	۹	اول (طبقه‌بندی‌نشده)	۵۴
آزمون شماره ۴	۱۲	اول (طبقه‌بندی‌نشده)	۵۵
آزمون شماره ۵ نهایی خرداد ۱۴۰۰	۱۴	دوم (طبقه‌بندی‌شده)	۵۶
آزمون شماره ۶ نهایی خرداد ۱۴۰۱	۱۸	دوم (طبقه‌بندی‌شده)	۵۷
آزمون شماره ۷ نهایی دی ۱۴۰۱	۲۲	دوم (طبقه‌بندی‌شده)	۵۸
آزمون شماره ۸ نهایی دی ۱۴۰۲	۲۶	دوم (طبقه‌بندی‌شده)	۶۰
آزمون شماره ۹ نهایی خرداد ۱۴۰۲	۳۰	دوم (طبقه‌بندی‌نشده)	۶۱
آزمون شماره ۱۰ نهایی خرداد ۱۴۰۳	۳۴	دوم (طبقه‌بندی‌نشده)	۶۲
آزمون شماره ۱۱ نهایی شهریور ۱۴۰۲	۳۸	دوم (طبقه‌بندی‌نشده)	۶۴
آزمون شماره ۱۲ نهایی شهریور ۱۴۰۳	۴۱	دوم (طبقه‌بندی‌نشده)	۶۶
آزمون شماره ۱۳ بیست پلاس (چالشی‌تر)	۴۵	دوم (طبقه‌بندی‌نشده)	۶۷
آزمون شماره ۱۴ بیست پلاس (چالشی‌تر)	۴۹	دوم (طبقه‌بندی‌نشده)	۷۰

درس‌نامه توپ برای شب امتحان

۷۳

۹۱

ضمیمه: آرایه‌های ادبی و دستور زبان فارسی

درس فارسی (۳)

نمره	موضوع‌ها	قلمروها
۱	معنی واژه	زبانی (نمره ۷)
۲	املاي واژه	
۴	دستور	
۱	تاریخ ادبیات	ادبی (نمره ۵)
۳	آرایه‌های ادبی	
۱	حفظ شعر	
۴	درک مطلب	فکری (نمره ۸)
۲	معنی و مفهوم نثر	
۲	معنی و مفهوم نظم	
۲۰	کل	جمع

آزمون	۱	فارسی (۳)	کلیه رشته‌ها	تاریخ آزمون: دی‌ماه
		نوبت اول	پایه دوازدهم	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه



ردیف	درس اول	نمره
۱	عبارت زیر را معنی کنید. «عصاره تاکی به قدرت او شهد فایق شده و تخم خرمایی به تربیتش نخلِ باسق گشته.»	۱
۲	معنی واژه مشخص شده را بنویسید. «نتوان شبیه تو گفتن که تو در وهم نیایی»	۰/۲۵
۳	از میان واژگان زیر، معادل معنایی هر مورد را بیابید و مقابل آن بنویسید. «معاملت، انابت، وظیفه‌بردن، وسیم، خلعت» الف) جامه‌ای که بزرگی به کسی بخشد: ب) قطع کردن مقرری:	۰/۵
۴	در عبارت زیر «تضاد» و «سجع» را بیابید. «هر نفسی که فرو می‌رود، مُمدّ حیات است و چون برمی‌آید، مُفَرّح ذات.»	۰/۵
۵	در هر یک از موارد زیر، چه نوع حذفی دیده می‌شود؟ الف) هر نفسی که فرو می‌رود مُمدّ حیات است و چون برمی‌آید مُفَرّح ذات. ب) باران رحمت بی‌حسابش همه را رسیده و خوان نعمت بی‌دریغش همه‌جا کشیده.	۱
۶	مصراع زیر را به نثر روان معنی کنید. گفت: «مستی، زان سبب افتان و خیزان می‌روی»	۰/۵
۷	معنای واژه مشخص شده را بنویسید. گفت: «باید حد زَنَد هشیازمردم، مست را»	۰/۲۵
۸	در میان گروه کلمات زیر چند نادرستی املائی دیده می‌شود؟ تصحیح کنید. «صواب و مصلحت – داروغه و نگهبان – قرامت و تاوان – اکراه و بی‌میلی – واعظ و نصیحت‌گو – تزویر و دورویی»	۰/۵
۹	مصراع «گفت: دیناری بده پنهان و خود را وارهان» به کدام پدیده اجتماعی اشاره دارد؟	۰/۲۵
۱۰	در سروده «مست و هشیار» از شیوه استفاده شده است که در اصطلاح ادبی به آن می‌گویند.	۰/۵
۱۱	بیت زیر را کامل کنید. در مکتب حقایق، پیش ادیب عشق	۰/۵
۱۲	نوع «را» در مصراع «گفت: نزدیک است والی را سرای، آن‌جا شویم» چیست؟ توضیح دهید.	۰/۵
۱۳	بیت زیر را معنی کنید. «جامه‌ای کاو نشود غرقه به خون بهر وطن بَدَر آن جامه که ننگ تن و کم از کفن است»	۰/۷۵
۱۴	معنای واژه مشخص شده را بنویسید. «آن کسی را که در این مُلک، سلیمان کردیم ...»	۰/۲۵
۱۵	در بیت «همت اگر سلسله‌جنبان شود / مور تواند که سلیمان شود» واژه «همت» به چه معناست؟ (۱) عزم (۲) مقاومت (۳) توجّه از صمیم قلب به خدا (۴) دعای خیر	۰/۲۵
۱۶	مفاهیم زیر در کدام ابیات دیده می‌شود؟ «مبارزه با سلطه بیگانگان – آزادی و آسودگی خاطر درویشان – آشکارشدن شرارت، تزویر و ستمگری حاکم زمان – دعوت به مبارزه برای آزادی» الف) فکری ای هم‌وطنان در ره آزادی خویش ب) خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد پ) با آن که جیب و جام من از مال و می تهی‌است ت) آن کسی را که در این مُلک، سلیمان کردیم	۱

فهرست منابع و مآخذ		فارسی (۳)	کلیه رشته‌ها	تاریخ آزمون: دی‌ماه	
موضوع		نوبت اول	پایه دوازدهم	مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	
درس پنجم					
۱۷	مصرع زیر را به نثر روان معنی کنید. «از سیم به سر یکی گله‌خود»	۰/۵			
۱۸	در بیت زیر: «تو مشیت در شست روزگاری الف) ترکیب‌های اضافی را مشخص کنید. ب) هر یک از واژگان مشخص شده چه نقشی دارند؟	۰/۵ ۰/۵	از <u>گردش</u> قرن‌ها پس‌افکند»	به مجموعه «مضاف» و «مضاف‌الیه»، ترکیب اضافی گفته می‌شود.	
۱۹	در هر یک از موارد زیر، آرایه نوشته شده در مقابل هر بیت را نشان دهید. الف) ای مادر سرسپید، بشنو ب) بگرای چو ازدهای گرز	۱	این پند سیاه‌بخت فرزند بخروش چو شرزه شیر آرغند (جناس و نوع آن)		
۲۰	مفهوم بیت زیر در کدام گزینه دیده می‌شود؟ توضیح دهید. «دلا خموشی چرا؟ چو خم نجوشی چرا؟ برون شد از پرده راز، تو پرده‌پوشی چرا؟»	۰/۵	۱) شو منفجر ای دل زمانه ۲) ای مادر سرسپید بشنو ۳) برکش ز سر این سپیدمعجر ۴) زین بی‌خردان سیفله بستان	وان آتش خود نهفته مپسند این پند سیاه‌بخت فرزند بنشین به یکی کبوداورند دادِ دل مردم خردمند	
درس ششم					
۲۱	بیت زیر را معنی کنید. «در غم ما روزها بی‌گاه شد روزها با سوزها همراه شد»	۰/۵			
۲۲	کدام آرایه در بیت زیر دیده نمی‌شود؟ «آتش است این بانگ نای و نیست باد ۱) استعاره ۲) جناس تام ۳) تناقض ۴) تشبیه	۰/۲۵	هر که این آتش ندارد نیست باد»		
۲۳	آیا آرایه ادبی «اسلوب معادله» در هر دو بیت زیر وجود دارد؟ توضیح دهید. ■ عشق بر یک فرش بنشاند گدا و شاه را ■ محرم این هوش جز بی‌هوش نیست	۰/۵	سیل، یکسان می‌کند پست و بلند راه را مر، زبان را مشتری جز گوش نیست		
۲۴	منظور از قسمت‌های مشخص شده چیست؟ «روزها گر رفت، گو رو، <u>باک نیست</u> »	۰/۵	<u>تو</u> بمان، ای آن که جز تو پاک نیست»		
۲۵	با توجه به ابیات زیر به پرسش‌ها پاسخ دهید. «بشنو این نی چون شکایت می‌کند کز نیستان تا مرا بُبریده‌اند» الف) مقصود مولوی از «نی» چیست؟ ب) «بریدن» به چه معناست؟	۰/۲۵ ۰/۲۵	از جدایی‌ها حکایت می‌کند در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند»		
درس هفتم					
۲۶	عبارت زیر را به نثر روان معنی کنید. «در عشق قدم‌نهادن کسی را مسلم شود که با خود نباشد و ترک خود بکند.»	۰/۵			
۲۷	مفهوم بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟ «می‌تواند حلقه بر در زد حریم حسن را ۱) از جان گذشتگی عاشق ۳) حُسن، لازمه رسیدن به مرتبه عشق است.	۰/۲۵	در رگ جان، هر که را چون زلف، پیچ و تاب هست» ۲) زندگی بدون عشق، بی‌معناست. ۴) عشق، لازمه رسیدن به مرتبه حسن است.		

آزمون ۱	تاریخ آزمون: دی‌ماه مدت آزمون: ۹۰ دقیقه	کلیه رشته‌ها پایه دوازدهم	فارسی (۳) نوبت اول	خبرنگار
-------------------------------	---	---	--	--------------------

۰/۵	۲۸ در جمله زیر واژگان مشخص شده چه نقشی دارند؟ «محبت چون به غایت رسد آن را عشق خوانند.»
۰/۵	۲۹ پدیدآورندگان آثار زیر را نام ببرید. الف) فی حقیقة العشق ب) تمهیدات
۰/۲۵	۳۰ در بیت زیر، کدام کلمات تضاد دارند؟ «در عالم پیر هر کجا برنایی است عاشق بادا که عشق خوش سودایی است»
۰/۵	۳۱ بیت زیر را کامل کنید. آینه نگاهت، پیوند صبح و ساحل
۰/۵	۳۲ از نظر سهروردی: «اول پایه است و دوم پایه و سیم پایه، عشق.» درس هشتم
۰/۲۵	۳۳ معنای واژه مشخص شده را بنویسید. «پیرمرد از داخل کازیه روی میز یک پاکت برداشت.»
۱	۳۴ در هریک از موارد زیر نادرستی املايي را بیاييد و تصحيح کنید. الف) از بیم عقرب جزّاره دموکراسی قرن بیستم، ناچار شده به مار قاشیه حکومت سرهنگ‌ها پناه ببرد. ب) کلثوپاترا، مار زهردار بر بازوی خویش می‌نهاد و آتش عشق بی‌امان خود را با چراغ حیاط خویش، خاموش می‌کرد.
۰/۵	۳۵ در کدام گزینه «ممیز» وجود دارد؟ آن را مشخص کنید. (۱) پنجاه متر ارتفاع (۲) بانک اعتبارات ایران (۳) قدرت قلم نویسنده (۴) گیرایی سخن او
۰/۵	۳۶ در بیت زیر «جناس همسان (تام)» را بررسی کنید. «کاووس کیانی که کی‌اش نام نهادند کی بود؟ کجا بود؟ کی‌اش نام نهادند؟» درس نهم
۰/۵	۳۷ گروه‌های اسمی زیر را از نظر داشتن «وابسته وابسته» بررسی کنید. الف) قلب آن کویر ب) دوست بسیار مهربان
۰/۲۵	۳۸ در عبارت: «بعد از حکیم اسرار، همه چشم‌ها به او بود که حوزه حکمت را او گرم و چراغ علم و فلسفه و کلام را روشن نگاه دارد.» الف) منظور از «چشم‌ها به او بود» چیست؟ ب) «گرم کردن و روشن نگاه داشتن چراغ علم و ...» چه مفهومی دارد؟
۲۰	جمع نمرات موفق باشید

فارسی (۳)	کلیه رشته‌ها	تاریخ آزمون: خردادماه ۱۴۰۳	
نوبت دوم	پایه دوازدهم	مدت آزمون: ۱۰۰ دقیقه	

ردیف	قلمرو زبانی (۷ نمره)	نمره
۱	معنای واژه مشخص شده در عبارت «دیگر در آن <u>ذی‌حیاتی</u> نفس نمی‌کشد.» چیست؟	۰/۲۵
۲	کدام واژه جزء معانی کلمه مشخص شده نیست؟ «بنشین به یکی کبود <u>اورند</u> » (آونگ – سریر – اورنگ – تخت پادشاهی)	۰/۲۵
۳	معادل معنایی واژه مشخص شده در بیت «چه نیکو گفت با جمشید دستور / که با نادان نه <u>شیون</u> باد و نه سور» در کدام گزینه نیامده است؟ (۱) در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند (۲) فریاد و فغان مرحبا و آفرین به آسمان بلند شد. (۳) وین نعمه محبت بعد از من و تو ماند	۰/۲۵
۴	مترادف واژه «کلان» در عبارت «هر که مرا ببیند، به حقیقت داند که از شما بسیار <u>کلان‌ترم</u> و جهان از شما زیادت دیده‌ام.» کدام کلمه است؟ «یکی از مردان معمر دهکده که کتاب را بر روی زانو گشوده بود و از پس عینک ستر خویشتن در آن می‌نگریست ...»	۰/۲۵
۵	املاي درست را در جمله‌های زیر انتخاب کنید. الف) مهمان‌ها سخت در (محضور – محظور) گیر کرده و تکلیف خود را نمی‌دانند. ب) از آن‌همه زیبایی‌ها و لذت‌ها و (نشئه – نشعه)‌ها سرشار از شعر و خیال می‌شدم. ج) تو نماینده فضلی، تو سزاوار (ثنایی – سنایی)	۰/۷۵
۶	با توجه به واژه‌های مشخص شده، کدام گزینه <u>غلط</u> املايي دارد؟ (۱) ولی <u>شستش</u> خبردار شده بود و چشمش مثل مرغ سربریده، مدام روی میز می‌دوید. (۲) کان کمند شست‌خم خویشت بگشاید / و بیندازد به بالا، بر درختی، گیره‌ای، سنگی / و فراز آید (۳) چون تیری که از <u>شست</u> رفته، باز نمی‌گردد، یک بار دیگر به کلام بلندپایه «از ماست که بر ماست» ایمان آوردم. (۴) آن‌گاه باز شکاری که شاهان او را روی <u>شست</u> می‌نشانند و با خویشتن به شکار می‌بردند، چنین گفت ...	۰/۲۵
۷	از چهار گزینه زیر، در دو گزینه <u>نادرستی</u> املايي وجود دارد. آن دو را مشخص کنید. (۱) مطاع و فرمانروا – صله ارحام – سوء هاضمه (۲) حمایل و محافظ – غرض نهال – مستور و پوشیده (۳) مغلوب و مقهور – زل‌زدن و نگرستن – مخاصمت و دشمنی (۴) ضمد و مرجم – بحر مکاشفت – ضجه و فریاد	۰/۵
۸	در کدام یک از گزینه‌های زیر <u>غلط</u> املايي وجود دارد؟ درست آن را بنویسید. (۱) عاکفان کعبه جلالتش به تقصیر عبادت معترف و واصفان حلیه جملالتش به تحیر منسوب. (۲) سرور کاینات و مفخر موجودات و رحمت عالمیان و سفوت آدمیان و تنمّه دور زمان.	۰/۵
۹	ساختار کدام مصراع، طبق الگوی «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است؟ «در پیشگاه اهل خرد نیست محترم هر کسی که فکر جامعه را محترم نداشت»	۰/۲۵
۱۰	نوع «ان» مشخص شده در کدام گزینه یکسان نیست؟ (۱) سراسر همه دشت بریان شدند (۲) من به هر جمعیتی <u>نالان</u> شدم بر آن چهر <u>خندان</u> ش <u>گریان</u> شدند جفت بدحالان و <u>خوش‌حالان</u> شدم	۰/۲۵
۱۱	با توجه به بیت «اگر لطف تو نبود <u>پرتوانداز</u> / کجا فکر و کجا گنجینه راز؟» کدام واژه بیت زیر، نقش دستوری یکسانی با واژه مشخص شده دارد؟ «زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست در حق ما هر چه گوید، جای هیچ اکراه نیست»	۰/۲۵
۱۲	از بین چهار بخش مشخص شده در متن زیر، نقش‌های تبعی «معطوف» و «بدل» را بیابید. «تایستان وصال، نوازشگر می‌آمد و ما را از غربت زندان شهر به میهن آزاد و <u>دامن‌گسترمان</u> ، <u>کویر</u> می‌برد ... در کویر گویی به مرز عالم دیگر نزدیکیم. آسمان، تفرّجگاه مردم <u>کویر</u> است.»	۰/۵

آزمون نوبت دوم

فارسی (۳)	کلیه رشته‌ها	تاریخ آزمون: خردادماه ۱۴۰۳	خدیجه
نوبت دوم	پایه دوازدهم	مدت آزمون: ۱۰۰ دقیقه	

۲۵	کدام یک از ابیات زیر آرایهٔ «متناقض‌نما» دارد؟ (۱) آن‌جا در آن برزخ سرد، در کوچه‌های غم و درد (۲) هشت جنت نیز این‌جا مرده‌ای است غیر از شب آیا چه می‌دید چشمان تار من و تو؟ هفت دوزخ همچو یخ افسرده‌ای است	۰/۲۵												
۲۶	کدام دو اثر از یک نویسنده یا شاعر است؟ «فی حقیقة‌العشق - فیه ما فیه - کلیله و دمنه - تذکرة‌الاولیا - سندبادنامه - منطق‌الطیر - تمهیدات»	۰/۵												
۲۷	کدام اثر مربوط به بخش ادبیات جهان است؟ (۱) از پاریز تا پاریس (۲) قصه‌های دوشنبه	۰/۲۵												
۲۸	درستی یا نادرستی جملهٔ زیر را مشخص کنید. «سانتاماریا اثر رضا امیرخانی، نویسندهٔ معاصر، دربارهٔ دفاع مقدس است.»	۰/۲۵												
	شعر حفظی													
۲۹	آیا مصراع دوم بیت زیر به درستی ذکر شده است؟ «در مکتب حقایق پیش ادیب عشق آن‌گه رسی به خویش که بی خواب و خور شوی»	۰/۲۵												
۳۰	مصراع نخست بیت زیر را مرتب کنید. «از - باران - برگ - در - مهربان‌تر - ای - بوسه‌های بیداری ستاره در چشم جویباران»	۰/۲۵												
۳۱	مصراع دوم بیت زیر را بنویسید. «ترسم تو را ببیند و شرمندگی کشد»	۰/۵												
	قلمرو فکری (۸ نمره)													
۳۲	کدام گزینه بار معنایی منفی ندارد؟ (۱) دیدم، توطئهٔ ما دارد می‌ماسد. (۲) اندیشیدم که باز برای ما چه خوابی دیده‌اند. (۳) دیدم چشم بد دور آقا و اترقیده‌اند.	۰/۲۵												
۳۳	جملهٔ «با خرد و دانش خود آن‌چه خواهد، تواند. سنجش نیروی او در توان ما نیست.» با کدام گزینه تناسب مفهومی دارد؟ (۱) همه غیبی تو بدانی، همه عیبی تو بپوشی (۲) نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم نگنجی همه بیشی تو بکاهی، همه کمی تو فزایی نتوان شبه تو گفتن که تو در وهم نیایی	۰/۲۵												
۳۴	دو ویژگی عشق جاودانی را در عبارت زیر بنویسید. «عشق جاودانی همواره معشوق را جوان می‌بیند/ و نه توجهی به گرد و غبار و جراحات پیری دارد/ و نه اهمیتی به چین و شکن ناگزیر سالخوردگی می‌دهد.»	۰/۵												
۳۵	کدام مورد با بیت «مشو در پیچ و تاب رنج و غم، گم/ به هر حالت تبسم کن، تبسم» در تقابل معنایی است؟ (۱) عشق من، خندهٔ تو در تاریک‌ترین لحظه‌ها می‌شکند. (۲) این نخستین بار شاید بود/ کان کلید گنج مروارید او گم شد.	۰/۲۵												
۳۶	مفهوم بیت «بندهٔ حلقه به گوش از نوازی برود/ لطف کن، لطف که بیگانه شود حلقه به گوش» چیست؟	۰/۵												
۳۷	بیت «چنان آمد اسپ و قباى سوار/ که گفתי سمن داشت اندر کنار» در توصیف کدام شخصیت است؟	۰/۲۵												
۳۸	با توجه به ستون «الف»، مفهوم مناسب هر بیت در ستون «ب» را مشخص کنید. (در ستون «ب» یک مورد اضافی است.)	۱												
	<table><tr><th>«الف»</th><th>«ب»</th></tr><tr><td>الف) گفت: «می‌باید تو را تا خانهٔ قاضی برم»</td><td>۱- برتری عشق بر عقل</td></tr><tr><td>ب) خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد</td><td>۲- ناپایداری حکومت‌ها</td></tr><tr><td>ج) سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد و دیوانگی عشق بر همهٔ عقل‌ها افزون آید.</td><td>۳- تقدس عشق</td></tr><tr><td>د) راستی خاتم فیروزه بواسحاقی</td><td>۴- فساد و غفلت حاکمان</td></tr><tr><td>—</td><td>۵- بیگانه‌ستیزی</td></tr></table>	«الف»	«ب»	الف) گفت: «می‌باید تو را تا خانهٔ قاضی برم»	۱- برتری عشق بر عقل	ب) خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد	۲- ناپایداری حکومت‌ها	ج) سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد و دیوانگی عشق بر همهٔ عقل‌ها افزون آید.	۳- تقدس عشق	د) راستی خاتم فیروزه بواسحاقی	۴- فساد و غفلت حاکمان	—	۵- بیگانه‌ستیزی	
«الف»	«ب»													
الف) گفت: «می‌باید تو را تا خانهٔ قاضی برم»	۱- برتری عشق بر عقل													
ب) خانه‌ای کاو شود از دست اجانب آباد	۲- ناپایداری حکومت‌ها													
ج) سودای عشق از زیرکی جهان بهتر ارزد و دیوانگی عشق بر همهٔ عقل‌ها افزون آید.	۳- تقدس عشق													
د) راستی خاتم فیروزه بواسحاقی	۴- فساد و غفلت حاکمان													
—	۵- بیگانه‌ستیزی													

آزمون ۱۰	تاریخ آزمون: خردادماه ۱۴۰۳	کلیه رشته‌ها	فارسی (۳)	
	مدت آزمون: ۱۰۰ دقیقه	پایه دوازدهم	نوبت دوم	

۰/۵	با توجه به متن درس «بوی جوی مولیان»، مفهوم مشترک «آب جیحون فرونشست و ریگ آموی پرنیان شد.» چیست؟	۳۹
۰/۵	هر کدام از ابیات زیر به کدام وادی هفت‌گانه عرفانی اشاره دارد؟ الف) صد هزاران سایه جاوید، تو گم‌شده بینی ز یک خورشید، تو ب) هر یکی بینا شود بر قدر خویش بازباید در حقیقت صدر خویش	۴۰
۰/۲۵	معنای ابیات و عبارات زیر را به نثر روان بنویسید. الف) شش‌دانگ حواسم پیش مصطفی است. ب) عشق، هر کسی را به خود راه ندهد. ج) نی حدیث راه پر خون می‌کند د) سیاوش را تنگ در بر گرفت ه) از شامه قوی شما تشخیص بوی حمله، غریب نیست. و) من می‌روم سوی دریا، جای قرار من و تو ز) دست انابت به امید اجابت به درگاه حق بردارد. ح) پنهان مکن آتش درون را زین سوخته‌جان شنو یکی پند	۴۱
۲۰	موفق باشید جمع نمرات	

پاسخ‌نامه تشریحی

آزمون شماره ۱ (نوبت اول)

- ۱- شیره درخت انگور به قدرت الهی، به عسل خالص تبدیل شده (۵/۵) و در اثر توجه و پرورش او، دانه خرمایی به درختی بلند و استوار تبدیل شده است. (۵/۵)
- ۲- «شبنه»: مانند، مثل، همسان (۵/۵)
- این واژه را با شَبَح (آن چه به صورت سیاهی به نظر می‌آید، سایه موهوم از کسی یا چیزی) اشتباه نگیرید.
- ۳- الف) خلعت (۵/۵) ب) وظیفه‌بردن (۵/۵)
- معنای واژه‌های باقی‌مانده: معاملات: اعمال عبادی، احکام و عبادات شرعی - انابت: بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی - وسیم: دارای نشان پیامبری
- ۴- «فرومی‌رود» و «برمی‌آید»: تضاد (۵/۵) / «حیات» و «ذات»: سجع (۵/۵)
- ۵- الف) فعل «است» بعد از «ذات» (۵/۵) به قرینه لفظی (۵/۵) حذف شده است: ... مفرح ذات [است].
- ب) فعل کمکی «است» بعد از «رسیده» و «کشیده» (۵/۵) به قرینه معنایی (۵/۵) حذف شده است: رسیده [است] / کشیده [است].
- ۶- [محتسب] گفت: «تو مستی، به این خاطر بی‌تعالی (تلولوخوران) راه می‌روی.» (۵/۵)
- ۷- «حد»: کیفر و مجازات شرعی برای گناهکار و مجرم (۵/۵)
- ۸- کلمه «قرامت» نادرست (۵/۵) و شکل صحیح آن، «غرامت» است (۵/۵)
- ۹- رواج رشوه‌خواری (۵/۵)
- ۱۰- گفت‌وگو (۵/۵) / مناظره (۵/۵)
- ۱۱- هان ای پسر، بکوش که روزی پدر شوی (۵/۵)
- ۱۲- فک اضافه؛ (۵/۵) هرگاه «را» بین مضاف و مضاف‌الیه بیاید و جای آن دو را عوض کند یا بین آن‌ها فاصله بیندازد، به آن فک اضافه می‌گویند.
- والی را سرای ← سرای والی (۵/۵)
- ۱۳- لباسی را که در راه وطن، غرق در خون نشود، پاره کن؛ (۵/۵) زیرا آن لباس، باعث بدنامی تن است (۵/۵) و از کفن هم کم‌ارزش‌تر است. (۵/۵)
- ۱۴- «مُلک»: سرزمین (۵/۵)
- ۱۵- گزینه «۱»: عزم (۵/۵)
- نکته** واژه هَمَت در کتاب درسی در معانی «عزم، قصد و اراده»، «عنایت و لطف و بزرگواری» و «دعای خیر پیر و مرشد»، به کار رفته است. نمونه:
- همت اگر سلسله‌جنبان شود / مور تواند که سلیمان شود (همت: عزم، اراده و تلاش)
- همت از باد سحر می‌طلبم گر ببرد / خبر از من به رفیقی که به طرف چمن است (همت: عنایت و لطف، بزرگواری)
- همت بدرقه راه کن ای طایر قدس / که دراز است ره مقصد و من نوسفرم (همت: دعای خیر)
- ۱۶- الف) دعوت به مبارزه برای آزادی (۵/۵)
- ب) مبارزه با سلطه بیگانگان (۵/۵)
- پ) آزادی و آسودگی خاطر درویشان (۵/۵)
- ت) آشکارشدن شرارت، تزویر و ستمگری حاکم زمان (۵/۵)
- ۱۷- برف را مانند کلاه‌خودی نقره‌ای بر قلّه داری. (۵/۵)
- ۱۸- الف) «مشت روزگار» و «گردش قرن‌ها» (۵/۵)
- ب) «تو»: نهاد (۵/۵) / «گردش»: متمم (۵/۵)
- ۱۹- الف) «سرسپید»: کنایه از پیر و کهنسال یا پوشیده از برف / «سیاه‌بخت»: کنایه از بیچاره (یک مورد، ۵/۵)
- ب) «گرزه» و «شرزه» (۵/۵): جناس ناهمسان (ناقض) (۵/۵)

- ۲۰- گزینه «۱» (۵/۵)؛ مفهوم مشترک بیت سؤال و گزینه «۱»، «ساکت‌نبودن و سخن دل را به زبان آوردن» است. (۵/۵)
- مفهوم سایر گزینه‌ها:
- گزینه «۲»: دعوت به پندپذیری و توجه به اندرز مردمان آگاه و روشنفکر
- گزینه «۳»: ترک سستی و ضعف و بی‌حاصلی و به دست گرفتن قدرت و احیای شوکت
- گزینه «۴»: بازپس گرفتن حق مردم دانا از نادان، توصیه به ظلم‌ستیزی و برقراری عدالت
- ۲۱- روزهای عمر ما عاشقان، با درد و غم عشق به پایان می‌رسد (۵/۵) و هر روزمان با سوز عشق، همراه شده است. (۵/۵)
- ۲۲- گزینه «۳»: تناقض (۵/۵) بررسی آرایه‌های بیت:
- استعاره: «آتش» (در مصراع دوم)، استعاره از «عشق، شور و اشتیاق» است. / جناس تام: «نیست باد» (باد هوا نیست.) و «نیست باد» (نابود باد.) / تشبیه: این بانگِ نای، آتش است (بانگ نای: مشبه - آتش: مشبّه‌به)
- ۲۳- بله (۵/۵)، زیرا در هر دو بیت، یکی از مصراع‌ها مصادق و یا معادلی برای مصراع دیگر است و هم‌چنین مصراع‌ها از نظر دستوری مستقل هستند؛ به گونه‌ای که می‌توان دو مصراع را جابه‌جا کرد. (۵/۵)
- ۲۴- «پاک نیست»: اهمیتی ندارد (۵/۵) / «تو»: عشق (۵/۵)
- ۲۵- الف) «نی» نماد انسان آگاهی است که می‌داند از جایگاه اصلی خود دور افتاده است. (۵/۵)
- ب) «بریدن» در معنای «جداکردن، دورساختن» است. (۵/۵)
- ۲۶- کسی به طور قطع می‌تواند عشق را دریابد (۵/۵) که در قید و بند خودش نباشد و خود را فراموش کند. (وجود مادی خویش را فنا سازد.) (۵/۵)
- ۲۷- گزینه «۴»: عشق، لازمه رسیدن به مرتبه حُسن است (۵/۵). کسی می‌تواند قدم در حریم حُسن و نیکویی بگذارد که جانش عاشق و بی‌قرار باشد.
- ۲۸- «محبّت»: نهاد (۵/۵) / «عشق»: مسند (۵/۵) (خوانند = نامند، گویند)
- ۲۹- الف) شهاب‌الدین سهروردی (۵/۵) ب) عین‌القضات همدانی (۵/۵)
- ۳۰- پیر و برنا: تضاد (۵/۵)
- ۳۱- لبخند گاه‌گاهت، صبح ستاره‌باران (۵/۵)
- ۳۲- معرفت (۵/۵) - محبت (۵/۵)
- ۳۳- «کازیه»: جاکاغذی، جعبه چوبی یا فلزی روباز که برای قراردادن کاغذ، پرونده یا نامه‌ها روی میز قرار می‌دهند. (۵/۵)
- ۳۴- الف) «قاشیه» نادرست (۵/۵) و شکل صحیح آن «غاشیه» است. (۵/۵)
- ب) «حیاط» نادرست (۵/۵) و شکل صحیح آن «حیات» است. (۵/۵)
- حیاط (فضا و محوطه) ارتباط مناسبی با عبارت ندارد و با توجه به معنای کلی عبارت، به‌ویژه جمله آخر می‌توان دریافت که حیات (= زیستن و زندگی) صحیح و مناسب است.
- ۳۵- گزینه «۱» (۵/۵)؛ واژه «متر» متمیز است. (۵/۵)
- در سه گزینه دیگر، وابسته وابسته از نوع مضاف‌الیه مضاف‌الیه دیده می‌شود:
- گزینه «۲»: بانک اعتبارات ایران
- گزینه «۳»: قدرت قلم نویسنده
- گزینه «۴»: گیرایی سخن او
- ۳۶- «کی» جناس همسان (تام) دارد: در مصراع اول به معنی «پادشاه» است و در مصراع دوم به معنی «چه وقت». (۵/۵)
- ۳۷- الف) «آن»: وابسته وابسته از نوع صفت مضاف‌الیه «قلب آن کویر
- ب) «بسیار»: وابسته وابسته از نوع «قید صفت» (۵/۵) دوست بسیار مهربان

۳۸- الف) همه به او توجه داشتند. (۵/۷۵)

ب) حکمت و علم و ... را رونق بخشیدن (۵/۷۵)

آزمون شماره ۲ (نوبت اول)

۱- نمی توان تو را توصیف کرد (۵/۷۵)، چون تو در فهم نمی گنجی (۵/۷۵)؛ نمی توان مثل و ماندنی برایت نام برد (۵/۷۵)، زیرا تو حتی در خیال انسان هم جای نمی گیری. (۵/۷۵)

۲- «مگر»: امید است که، شاید (۵/۷۵)

۳- گزینه «۱»؛ واژه «سنایی» نادرست و شکل صحیح آن «ثنائی» است (۵/۷۵)

❶ سنا به معنای «نور و روشنائی» است و ثنا یعنی «سپاس، ستایش». سنایی (منسوب به سنا) تخلص شاعری بنام است که در بیت گزینه «۲» کاربرد کاملاً صحیحی دارد و شاعر، نام شعری خود را در بیت ذکر کرده است. اما در بیت گزینه «۱»، با توجه به معنای کلی بیت و البته جمله آخر می توان دریافت که ثنائی (ثنا + ثنائی: هستی) صحیح است، نه سنایی. «تو سزاوار ثنائی»: تو شایسته ستایش هستی.

در بیت گزینه «۳»، واژه های «مطاع» (اطاعت شده، فرمانروا)، «قسیم» (صاحب جمال) و «وسیم» (دارای نشان پیامبری)، املائی کاملاً درستی دارند.

۴- «مذعبان»: کسانی که حق را نیافته اند، اما به زبان مدعی وصال حق هستند. (۵/۷۵)

۵- [محتسب] گفت: «مردم هوشیار باید افراد مست را مجازات کنند و شلاق بزنند.» (۵/۷۵)

۶- «والی»: حاکم، فرمانروا (۵/۷۵)

۷- «شویم» در معنی رویم (= برویم) آمده و غیراسنادی است (۵/۷۵)؛ «نیست» هم در معنی «وجود ندارد، حضور ندارد» آمده و اسنادی نیست. (۵/۷۵)

۸- فقر موجود در جامعه (۵/۷۵)

۹- غفلت مسئولان از مشکلات جامعه (۵/۷۵)

۱۰- گزینه «۱» (۵/۷۵)

۱۱- گر نور عشق حق به دل و جانت اوفتد (۵/۷۵)

۱۲- الف) قطعه (۵/۷۵) ب) غزل (۵/۷۵)

۱۳- تمام فریاد من که مانند پرنده های اسیر هستم، برای وطن است (۵/۷۵) و روش پرندۀ گرفتار قفس، مانند من است. (۵/۷۵)

۱۴- «أهْرَمَن»: اهریمن، شیطان (۵/۷۵)

۱۵- «دَفتَر زمانه»: تشبیه «زمانه»: مشبّه؛ «دَفتَر»: مشبّه به (۵/۷۵) / «افتادن نام از قلم»: کنایه از محو و فراموش شدن نام (۵/۷۵)

۱۶- «دعای خیر» و «توجه از صمیم قلب به خداوند» (۵/۷۵)

۱۷- وقتی زمین از ظلم و ستم آسمان (روزگار)، [این گونه] سرد، سیاه، بی صدا و معلق در فضا ماند. (۵/۷۵)

۱۸- الف) اورنگ (۵/۷۵) ب) قهرآلود (۵/۷۵)

❶ سریر به معنای «تخت پادشاهی، اورنگ» و معادل معنایی واژه اورند است. «آونگ» از معنای واژه آوند است.

۱۹- در بیت «ب» واژه «زمد» نادرست (۵/۷۵) و املائی صحیح آن «ضمد» است. (۵/۷۵)

در بیت «پ» واژه «اثاث» (۵/۷۵) نادرست و شکل صحیح آن «اساس» است. (۵/۷۵)

❶ اثاث به معنای «اسباب و لوازم» است و اساس به معنای «پی و پایه، بنیان». با توجه به معنای کلی مصراع اول و حضور واژه «پی» و ترکیب و اصطلاح «پی زی افکندن» (= از بیخ و بُن نابود کردن) می توان فهمید که اساس مناسب و صحیح است. معنی مصراع اول: این بنیاد و بنای دورویی را از بیخ و بُن برکن.

در بیت «الف»، واژه «ستوران» (جمع ستور؛ حیوانات چارپا خاصه اسب، آستر و خر) املائی درستی دارد و متناسب بیت است. (کاربرد معنایی و املائی این واژه را با «سطور» (جمع سطر؛ خطوط) اشتباه نگیرد). هم چنین واژه «سفله» (= فرومایه، بدسرشت) در بیت «ت» نگارشی صحیح دارد و از اهمیت املائی برخوردار است.

۲۰- شاعر علت فراتر از ابرها بودن دماوند را، بیزاری از مردم و پنهان کردن چهره دانسته است: حسن تعلیل (۵/۷۵)

۲۱- هر کسی از روی حدس و گمان و در حدّ فهم خود، با من یار و همراه شد. (۵/۷۵)

۲۲- آرایه مشترک دو واژه «استعاره» است (۵/۷۵)؛ «ماهی»، استعاره از «عاشق واقعی» (۵/۷۵) و «آب»، استعاره از «عشق». (۵/۷۵)

۲۳- فرد بی بهره از عشق و معرفت، حال عاشق و عارف دل سوخته را درک نمی کند. (یا حال عاشق را فقط عاشق درک می کند). (۵/۷۵)

۲۴- گزینه «۲» (۵/۷۵) مصراع دوم مصداقی برای مصراع اول است و مبنای بیت نیز «تشبیه» است. (۵/۷۵)

۲۵- همه موجودات روحانی و جسمانی، خواهان رسیدن به کمال هستند. (۵/۷۵)

۲۶- «سامان»: درخور، میسر، امکان (۵/۷۵)

۲۷- عشق حقیقی، دل و جان را پاک می گرداند. (= می سازد، می کند)

نهاد	مفعول	مسند	فعل
(۵/۷۵)	(۵/۷۵)	(۵/۷۵)	(۵/۷۵)

۲۸- «پیربودن عالم»: تشخیص (۵/۷۵) / «عشق، خوش سودایی است»: تشبیه (۵/۷۵)

۲۹- باز آ که در هوایت خاموشی جنونم (۵/۷۵)

۳۰- محمدرضا شفیعی کدکنی (۵/۷۵) - م. سرشک (۵/۷۵)

۳۱- این [مقدار پول]، مخارج (هزینه های) حدود شش ماه من را تأمین می کرد. (۵/۷۵)

۳۲- الف) «فرسخ» (۵/۷۵): ممیز (۵/۷۵) ده فرسخ راه

ب) «سرهنگ ها» (۵/۷۵): مضاف الیه مضاف الیه (۵/۷۵) دوران حکومت سرهنگ ها

پ) «بیستم» (۵/۷۵): صفت مضاف الیه (۵/۷۵) دموکراسی قرن بیستم

۳۳- الف) سختی کشیدن (۵/۷۵)

ب) تحمل رنج و سختی لازمه رسیدن به کمال است. (۵/۷۵)

۳۴- زیاده خواهی و در نتیجه، نداشتن تسلط بر اوضاع (۵/۷۵)

۳۵- آماده سفر شدم (۵/۷۵) و به راه افتادم. (۵/۷۵)

۳۶- «تموز»: ماه دهم از سال رومیان، تقریباً مطابق با تیرماه سال شمسی؛ ماه گرما (۵/۷۵)

۳۷- گزینه «۳» (۵/۷۵) تلمیح به تنهایی و غربت امام علی (ع) در شهر کوفه و درد دل گفتن ایشان با چاه. (۵/۷۵)

۳۸- الف) اهل علم و ادب و معرفت، بالیمان و خداپرست (۵/۷۵)

ب) در گذشته علم آموزی به سادگی در دسترس همگان بود اما امروزه کاری رسمی و پر از موانع و مشکلات است. (۵/۷۵)

۳۹- آب چشمه بسیار سرد است. (۵/۷۵) / جوجه کبک ها بزرگ شده اند. (۵/۷۵)

آزمون شماره ۳ (نوبت اول)

۱- «مُحتَسِب»: مأمور حکومتی شهر که کار او نظارت بر اجرای احکام دین و رسیدگی به اجرای احکام شرعی بود. (۵/۷۵) (درس ۲)

۲- «کَلَه خود»: کلاه خود، کلاه فلزی که در جنگ بر سر می گذارند. (۵/۷۵) (درس ۵)

۳- «جفت»: همراه (۵/۷۵) (درس ۶)

۴- «ممات»: مرگ، مردن (۵/۷۵) (درس ۷)

۵- «نشئه»: صحیح است. (۵/۷۵) (درس ۹)

۶- «طیلسان»: صحیح است. (۵/۷۵) (درس ۸)

۷- واژه های «تاق ضربی» (۵/۷۵) و «خزر فرخنده پی» (۵/۷۵) نادرست و شکل صحیح آنها «طاق ضربی» (۵/۷۵) و «خضر فرخنده پی» (۵/۷۵) است. (درس ۸)

۸- گزینه «۱» (۵/۷۵)؛ «شره شَرِه» نادرست و شکل صحیح آن «شرح شَرِه» است. (۵/۷۵) (درس ۶)

❶ مولوی می گوید: برای بیان درد اشتیاق، شنونده ای می خواهم که دوری از حق را ادراک کرده و دلش از درد فراق، شرحه شرحه (پاره پاره) شده باشد.

واژه های فراق (= هجران و دوری) در گزینه (۱)، ظَنّ (= گمان) و اَسرار در گزینه (۲) و مستغرق (= مجذوب، شیفته) در گزینه (۴)، اهمیت املائی دارند.

❶ به معنا و کاربرد املائی واژه های «فراق و فراغ» (= آسایش و آسودگی خاطر)، «ظَنّ و زن» و «اَسرار و اِصرار (= پافشاری)» دقت داشته باشید.



درس نامهٔ توپ برای شب امتحان

سرور کائنات و مَفخَرِ موجودات و رحمتِ عالمیان و صَفوَتِ آدمیان و تَتَمُّهٔ دورِ زمان: سرورِ موجودات و مایهٔ افتخارِ آفریدگان و رحمتِ خداوند بر جهانیان و برگزیدهٔ انسان‌ها و مایهٔ کمالِ گردشِ روزگار.

عاکفان کعبهٔ جلالش به تقصیرِ عبادتِ معترف:

گوشه‌نشینان بارگاه پرشکوهش به کوتاهیِ خود در عبادتِ اقرار می‌کنند.

واصفانِ حلیهٔ جمالش به تحیّرِ منسوب:

توصیف‌کنندگان زیورِ زیباییِ خداوند در حیرت‌اند.

آن‌گاه که از این معاملت باز آمد، یکی از یاران به طریقِ انبساط گفت: «از این بوستان که بودی، ما را چه تحفه کرامت کردی؟»

وقتی که از آن حالتِ مراقبه بیرون آمد یکی از دوستان از روی صمیمیت از او پرسید: «از آن عالمِ غیب چه هدیه‌ای برای ما آورده‌ای؟»

چون رسیدم، بوی گُلَم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت:

زمانی که مقداری از معرفتِ الهی را درک کردم، چنان بی‌خود شدم که اختیارِ خود را از دست دادم.

واژگان

پویدن: حرکت به سوی مقصدی برای به دست آوردن و جست‌وجوی چیزی، تلاش، رفتن
ثنا: ستایش، سپاس
جزا: پاداش کار نیک
جلال: بزرگواری، شکوه، از صفات خداوند که به مقام کبریایی او اشاره دارد.
جود: بخشش، سخاوت، کرم
حکیم: دانا به همه چیز، دانای راست‌کردار، از نام‌های خداوند تعالی؛ بدین معنا که همه کارهای خداوند از روی دلیل و برهان است و کار بی‌پهوه انجام نمی‌دهد.
رحیم: بسیار مهربان، از نام‌ها و صفات خداوند
روی: مجازاً چاره، امکان
سرور: شادی، خوشحالی
سزا: سزاوار، شایسته، لایق
شبه: مانند، مثل، همسان
عزّ: ارجمندی، گرامی‌شدن، مقابل دُلّ
فضل: بخشش، کرم
کریم: بسیار بخشنده، بخشاينده، از نام‌ها و صفات خداوند
ملک: پادشاه، خداوند
نماینده: آن که آشکار و هویدا می‌کند، نشان‌دهنده
وهم: پندار، تصوّر، خیال
یقین: بی شبهه و شک بودن، امری که واضح و ثابت شده باشد.
اعراض: روی‌گرداندن از کسی یا چیزی، روی‌گردانی
انابت: بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی
انبساط: حالتی که در آن، احساس بیگانگی و ملاحظه و رودربایستی نباشد؛ خودمانی‌شدن
باسق: بلند، بالیده
بنات: جمع بنت، دختران
بنان: سرانگشت، انگشت
تاک: درخت انگور، رز
تتمّه: باقی‌مانده؛ تتمّهٔ دورِ زمان: مایهٔ تمامی و کمالِ گردشِ روزگار، مایهٔ تمامی و کمالِ دورِ زمانِ رسالت
تحفه: هدیه، ارمغان
تحیّر: سرگشتگی، سرگردانی
تَضَرُّع: زاری کردن، التماس کردن
تقصیر: گناه، کوتاهی، کوتاهی کردن
جسیم: خوش‌اندام
حلیه: زیور، زینت
خوان: سفره، سفرهٔ فراخ و گشاده
دایه: زنی که به جای مادر به کودک شیر می‌دهد یا از او پرستاری می‌کند.
ربیع: بهار
روزی: رزق، مقدار خوراک یا وجه معاش که هر کس روزانه به دست می‌آورد یا به او می‌رسد؛ **وظیفهٔ روزی:** رزق مقرّر و معیّن
شفیع: شفاعت‌کننده، پایمرد
شهد: عسل؛ **شهد فایق:** عسلِ خالص
صفوت: برگزیده، برگزیده از افراد بشر
عاکفان: جمع عاکف، کسانانی که در مدتی معیّن در مسجد بمانند و به عبادت بپردازند.

فصل ادبیات تعلیمی

ستایش، درس یکم (شکرِ نعمت)، گنج حکمت (گمان)

معنی

ملک، ذکر تو گویم که تو پاکتی و خدایی

نروم جز به همان ره که توأم راه نمایی خداوند، تو را یاد می‌کنم که پاک و پروردگار هستی و فقط همان مسیری را می‌روم که تو به من نشان دهی [یا جز راهی که تو راهنمای من باشی راه دیگری را نمی‌روم].

همه درگاه تو جویم همه از فضل تو پویم

همه توحید تو گویم که به توحید سزایی تنها درگاه تو را می‌جویم و به سبب لطف تو در تلاشم؛ فقط از یگانگی تو می‌گویم که شایستهٔ توحید و یگانگی هستی.

نتوان وصف تو گفتن که تو در فهم ننگجی

نتوان شبّه تو گفتن که تو در وهم نیایی نمی‌توان تو را توصیف کرد، چون تو در فهم نمی‌گنجی؛ نمی‌توان مثل و ماندنی برای نام برد، زیرا تو حتی در خیال هم در نمی‌آیی.

مگر از آتش دوزخ بُوَدش روی رهایی:

شاید برای او از آتش دوزخ، امکانِ رهایی وجود داشته باشد.

مَنّتِ خدای را، عَزَّ و جَلَّ، که طاعتش موجب قربت است و به شکرِ اندرش مزیدِ نعمت: سپاس و ستایش مخصوص خداوند گرامی و بزرگ است که اطاعتش سبب نزدیکی به او می‌شود و شکرگزاری از او باعث افزایشِ نعمت می‌گردد.

هر نفسی که فرومی‌رود، مُمِدّ حیات است و چون برمی‌آید، مُقَرّح ذات:

هر نفسی که فرو برده می‌شود باعث ادامهٔ زندگی است و وقتی بیرون می‌آید شادی‌بخش وجود است. **خوانِ نعمت بی‌درغش همه‌جا کشیده:**

سفرهٔ نعمت بی‌مضایقه و سخاوتمندانه‌اش در همه‌جا گسترده است.

پردهٔ ناموسِ بندگان به گناه فاحش نَدرد و وظیفهٔ روزی به خطای مُنکر نَبُرد:

آبروی بندگان را با وجود گناهان آشکار نمی‌ریزد و روزی معیّن آنان را به خاطر انجام اشتباه زشت قطع نمی‌کند.

فَراشِ بادِ صبا را گفته تا فرشی زَمردین بگسترد و دایهٔ ابر بهاری را فرموده تا بَناتِ نَبات در مهدِ زمین بپرورد:

به باد صبا دستور داده تا سبزه‌ها را مانند فرشی سبزرنگ بگستراند و به ابر بهاری فرموده تا مانند پرستاری، گیاه در گهوارهٔ زمین پرورش دهد.

درختان را به خلعتِ نوروزی، قبايِ سبزِ وَرَق در بر گرفته و اطفالِ شاخ را به قُدمِ موسِمِ ربیع، کلاهِ شکوفه بر سر نهاده:

به عنوان هدیهٔ نوروز لباس سبزی را از جنس برگ به درختان پوشانده و به خاطر آمدن فصل بهار، شکوفه را مانند کلاهی بر سر شاخه‌های کوچک قرار داده است.

عُصارهٔ تاکی به قدرت او شَهِدِ فایق شده و تخمِ خرمايي به تربیتش نخلِ باسق گشته: شیرهٔ درخت انگور به قدرت الهی، به عسلِ خالص (انگور) تبدیل شده و در اثر توجّه و پرورش او، دانهٔ خرمايي به درختی بلند و استوار تبدیل شده است.

همه از بهرِ تو سرگشته و فرمانبردار

شرطِ انصاف نباشد که تو فرمان‌بری ای انسان، تمام آفرینش مطیع و فرمانبردار تو هستند، منصفانه نیست که تو فرمانبردار خداوند نباشی.



قلمرو فکری

مفهوم مشترک موارد زیر «**ناتوانی در شناخت خداوند**» است:

هیچ نقاشی نمی‌بیند که نقشی برکشد
وان که دید، از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای
واصفان جلیه جمالش به تحیر منسوب که: «ما عَرَفْنَاكَ حَقَّ مَعْرِفَتِكَ».

درس دوم (مست و هشیار)، شعر خوانی (در مکتب حقایق)

معنی

گفت: «مستی، زان سبب افتان و خیزان می‌روی»

گفت: «جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست»

محتسب گفت: «تو مستی، به این خاطر تلوتلوخوران راه می‌روی.» مست گفت: «راه رفتن من مشکلی ندارد، راه (جامعه) هموار و صاف نیست.»

گفت: «می‌باید تو را تا خانه قاضی بزم.» محتسب گفت: «لازم است تو را به خانه قاضی ببرم.»

گفت: «نزدیک است والی را سرای، آنجا شویم»

گفت: «والی از کجا در خانه خمار نیست؟»

محتسب گفت: «خانه حاکم نزدیک است، آنجا برویم.» مست گفت: «از کجا معلوم که والی، خود در میخانه نباشد؟»

گفت: «دیناری بده پنهان و خود را وارهان»

گفت: «کار شرع، کار درهم و دینار نیست»

محتسب گفت: «سگه‌ای به طور پنهانی به من بده و خودت را خلاص کن.» مست گفت: «کار دین با پول و رشوه درست نمی‌شود.»

گفت: «از بهر غرامت، جامه‌ات بیرون کتم»

گفت: «پوسیده است، جز نقشی ز پود و تار نیست»

محتسب گفت: «برای تاوان مستی، لباست را از تنت بیرون می‌آورم.» مست گفت: «لباس من پوسیده است و فقط نقشی از تار و پودش باقی است.»

گفت: «باید حد زَنَد هشیار مردم، مست را»

گفت: «هشیاری بیار، اینجا کسی هشیار نیست»

محتسب گفت: «مردم هوشیار باید افراد مست را مجازات کنند!» مست گفت: «یک هوشیار بیار، در اینجا همه مست هستند.»

در مکتب حقایق پیش ادیب عشق

هان ای پسر، بکوش که روزی پدر شوی

ای فرزند، بکوش تا در مدرسه حقایق، نزد آموزگار عشق، روزی به مقام راهبری و کمال برسی.

خواب و خورت ز مرتبه خویش دور کرد

آن‌که رسی به خویش که بی خواب و خور شوی

وابستگی به لذت‌های مادی، تو را از جایگاه انسانی خودت دور کرده است؛ زمانی به مقام حقیقی خود می‌رسی که لذت‌های مادی را ترک کنی.

وجه خدا اگر شود منتظرِ نظر

زین پس شکی نماند که صاحب‌نظر شوی

اگر نگاه و توجه تو تنها به سوی خداوند باشد، یقیناً از این به بعد، آگاه و دارای بصیرت خواهی شد.

واژگان

ادیب: آداب‌دان، ادب‌شناس، سخن‌دان، تزییر: نیرنگ، دورویی، ریاکاری
در متن درس به معنای معلّم و مربّی است. حد: کیفر و مجازات شرعی برای گناهکار
افسار: تسمه و ریسمانی که به سر و گردن و مجرم
اسب و الاغ و ... می‌بندند. خمار: می‌فروش
اکراه: ناخوشایندبودن، ناخوشایند داشتن دار ملک: سرزمین
امری داروغه: پاسبان و نگهبان، شب‌گرد

عزّ و جلّ: گرامی، بزرگ و بلندمرتبه است؛ بعد از ذکر نام خداوند به کار می‌رود.

عصاره: آبی که از فشردن میوه یا چیز دیگر به دست آورند؛ افشره، شیره

فاحش: آشکار، واضح

فایق: برگزیده، برتر

فزاش: فرش گستر، گسترده فرش

قبا: جامه، جامه‌ای که از سوی پیش باز است و پس از پوشیدن، دو طرف پیش را با دکمه به هم پیوندند.

قدوم: آمدن، قدم‌نهادن، فرارسیدن

قسیم: صاحب‌جمال

کاینات: جمع کاینه، همه موجودات جهان

کرامت‌کردن: عطا کردن، بخشیدن

مراقبت: در اصطلاح عرفانی، کمال توجه

بنده به حق و یقین بر این‌که خداوند در

همه احوال، عالم بر ضمیر اوست؛ نگاه‌داشتن

دل از توجه به غیر حق

مزید: افزونی، زیادی

معاملت: اعمال عبادی، احکام و عبادات شرعی؛

در این‌جا مقصود همان مراقبت و مکاشفت است.

معترف: اقرار کننده، اعتراف کننده

املا

اعراض، انابت، انبساط، باسق، تحیر، ثنا و ستایش، جزا، جلیه، خوان و سفره، شنبه و مانند، صفوت و برگزیده، عاکفان، فایق، منصوب و برگزیده، منسوب و نسبت داده‌شده، قریب و نزدیک، عجیب و غریب، دورافتاده و غریب، بحر و دریا، برای و از بهر، عزّ و ذلّ (= عزّت و ذلّت)

قلمرو زبانی

واژگان هم‌آوا (کلماتی که تلفظ یکسان اما املا و معنای متفاوت دارند): قربت: نزدیکی

← غربت: دوری / حیات: زندگی ← حیاط: زمین جلو ساختمان / خوان: سفره

← خان: رئیس، سرور / بحر: دریا ← بهر: برای / منسوب: نسبت داده‌شده

← منصوب: به شغل و مقامی گماشته‌شده

در عبارت «بوی گلم چنان مست کرد که دامنم از دست برفت» ضمیر «م» در «گلم»

مفعول است (بوی گل چنان مستم کرد) و ضمیر «م» در «دامنم» مضاف‌الیه «دست»

است. (دامن از دستم برفت).

انواع حذف:

۱ حذف به قرینه لفظی: گاهی بخشی از جمله به‌ویژه فعل را برای پرهیز از تکرار حذف

می‌کنیم. به این نوع حذف، حذف به قرینه لفظی صورت گرفته است؛ مانند:

– منت خدای را که طاعت او موجب قربت است و به شکر اندرش مزید نعمت است.

۲ حذف به قرینه معنایی: هرگاه فعل یا بخشی از جمله حذف شود و از راه معنی به

بخش حذف‌شده پی ببریم، حذف به قرینه معنایی صورت گرفته است؛ مانند:

– بنده همان به است که ز تقصیر خویش

عذر به درگاه خدای آورد

فعل «است» اصلاً در جمله نیامده و ما از طریق معنی به بخش حذف‌شده پی برده‌ایم.

قلمرو ادبی

در بیت «ای مرغ سحر! عشق ز پروانه بیاموز / کان سوخته را جان شد و آواز نیامد»،

«مرغ سحر» نماد «مذعبان دروغین عاشقی» و «پروانه» نماد «عاشقان راستین» است.

کتاب «گلستان» اثر سعدی و کتاب «کلیله و دمنه» ترجمه نصرالله منشی است.